

پژندنه و پیرنه

شهریه، شهریه، شهریه

امیر جلاپیر

کافری بوده به نام هیراغلپتوس از بلاد یونان. لیکن چون نظام تعلیم و تربیت را در آن بزنگاهی به نام «حذف و اضافه» نبود، طلابش شهریه را «لوطی خور» نموده و به ریش وی خنده‌ها می‌زدند؛ العیاذ من عاقبه السوء!

و شهریه را انواع بی‌شمار و اقسام بی‌حصار باشد اما در رساله‌ی «النشریه فی مضرات الشهریه» اثر نجف الملک شهریه‌پرداز علوم اجتماعی شهریه بر دو نوع است: قسم اول را «حر» به معنی آزادش خوانند که که تخصص آن در دستان دانشسرای است به همین نام. و قسم دیگر آن باشد که در دوره‌های «ارشد سراسر دانشسراها» مأخوذ دارند و چون هیچ قاعده‌ی طیفی و علمی بر آن مقصور نیست (چنانچه گاه چند برابر فزونی می‌گیرد و کس را خیال نباشد) آن را «اخر» به معنی آزادتر خوانند... و گویند راز این

... و شهریه بر وزن مهریه اندر لغت، گزافه مبالغی از نقدینگی را گویند که از جمع طالبین و طالبات، لوجه التحصیلات مأخوذ دارند و آباء دانشجو مقروض! و علمای علم لغت را در وجه تسمیه‌ی این لغت اختلاف باشد. علی قول بعضهم شهریه اسم منسوب است از ریشه‌ی شهر، چرا که تنها شهریان را در آن زمان توان پرداخت چنین مبالغی بوده است؛ هرچند اینک شهریان را نیز چنین قوت‌ها در بازو و چنین زررها در ترازو نباشد.

اما علی قول بعضهم شهریه مرکب است از شه + ریه و آن را علت اللعل این باشد که شاه را نیز ریه بدین مبالغ تنگ آید. و این قول اقوی است چرا که نویسنده در بدایه‌ی منظومه‌ی «الرمان! فی قصه شهریه و السلطان» ابیاتی را ملاحظت نموده است که قرینه‌ای است بر صدق این معنی!

شهرزاده بشد مثال اقران / چون رفت به دانشگاه تهران  
پس رفت به دوره‌ی شبانه / تا پول دهد، یکی دو انبان!  
وقتی که پدر مبالغش دید / شه را ریه شد مثال همیان!  
چون شاه به آن ریه فنا شد / نامش شده شهریه پس از آن!  
و گویند نخستین کسی که شهریه اخذ نموده است

کاغذ اخبار

\* در سال تحصیلی جاری میزان تلاش انجمن‌های علمی برای همکاری با دانشجویان رشته خود به نسبت سال‌های قبل افزایش یافته است. در همین راستا، روز یکشنبه ۲۳ فروردین دومین نشست عمومی دانشجویان انسان‌شناسی با تلاش انجمن علمی انسان‌شناسی ساعت ۱۲:۱۵ در کلاس ۳۰۶ برگزار خواهد شد.

\* دانشکده‌ی ما، از سال گذشته در تکاپوی برگزاری همایشی بوده است که اکنون به روزهای انجام آن نزدیک می‌شویم. ششم و هفتم اردیبهشت ماه همایش هشت دهه علوم اجتماعی با همت چند تن از اساتید و با همکاری انجمن‌های علمی دانشکده و دانشجویان برگزار می‌شود.

فزونی تا کنون بر کس گشوده نیامده است و باشد که از اسرار سلعبه‌ی گیتی باشد که جز حکیمی در تبت حل آن نتواند.

حکایت

گویند جوحی را روزی داعیه‌ی پیمبری بر سر او افتاد. مردم بر صدق سخنش معجزه طلب کردند. گفت: بخواهید آنچه می‌خواهید پس او را گفتند: بر ما راز فزونی شهریه‌ی شبانه بنما. جوحی لغتی بیندیشید. پس دستار از سر و پیرهن از تن و آزار از پای برگرفت و بر سر کوبان راه بیابان طی نمود. این حکایت بر مطربی عرضه داشتند و وی از حال بشد. پس از چندی به هوش آمد و این آواز را در مایه‌ی دشتی بخواند و بمرد؛ غفرا... ذنوبه.

شبانه، ای شبانه، ای شبانه! تو دردم هستی و اما دوا، نه! به هرجا می‌روم پولم ستانی! به صدها علت و عذر و بهانه! هزاران لعنت و نفرین بر آن دم! که بر سوی تو رفتم من شبانه...

۱. پوست بزغاله‌ی خشک کرده که درویشان در میان بندند و ذخیره در او بدارند
۲. روان گشتن آب و اشک

رویار

سخن سردبیر

رویای شفافیت

در تاریخ کم نبوده‌اند آنان که دیدگانشان به پذیرفتن آن‌چه دیگران بسیار بدیهی و طبیعی پنداشته‌اند خو نکرده است و نقش یک ناظر را در محیط اطرافشان بازی کرده‌اند. همین پرسشگران، در بزنگاه‌های تاریخی، آن‌گاه که مجال یافته‌اند توانسته‌اند، سؤالات ذهنی‌شان را با صدای بلند مطرح و دیگران را هم از آن‌چه در پیرامونشان روی می‌داد، مطلع کنند. اطلاعات ماده‌ی خام و اولیه جهت آغاز این فرآیند نظارتی و همچنین عنصر لازم جهت طرح پرسش برای تبیین رویدادهای محیط اطراف است. اما در بازه‌هایی که ماده‌ی خام برای پرسشگران فراهم نبوده یا آن‌ها امکان طرح سؤالاتشان را نیافته‌اند، این افراد هم پس از مدتی عادت پرسشگری خود را فراموش کرده و خاموش شده‌اند و در نهایت هم غالباً اتفاقات ناگواری در حوزه‌های مورد بررسی آن‌ها رخ داده است.

برای مثال می‌توان به رخداد‌های سال گذشته در دانشگاه اشاره کرد. در سالی که گذشت، دانشگاه تهران و چند دانشگاه دیگر، شاهد رویدادهایی بودند که نه در شأن دانشگاه و نه در شأن بزرگ‌ترین نهاد آموزش عالی کشور بود. افزایش بحث بورسیه‌های غیرقانونی و همین‌طور سرقت ادبی و انتحال یکی از اساتید دانشگاه تهران، اتفاقات، یا بهتر است بگوییم وقایعی است که تا مدت‌ها در ذهن جامعه و دانشگاه خواهد ماند. آکادمی، عرصه‌ای که وظیفه‌ی تربیت نیروهای متخصص را برای آینده‌ی یک جامعه برعهده دارد، چگونه به مرحله‌ای رسید، که فساد در سطوح کلان آن به وجود آمد؟ در جایی که اخلاق‌مداری باید از ویژگی‌های بلافصل آن باشد، چگونه ممکن است شاهد چنین رویدادهایی باشیم؟

افکار عمومی آن‌گاه از این رویدادها آگاه شدند که دیگر نمی‌شد آب رفته را به جوی بازگرداند. در این میان، آن‌چه زیر سؤال رفت، تنها عملکرد خاطیان اصلی نبود، بلکه آبروی دانشگاه هم زیر سؤال رفت. تا همین امروز هم سرانجام این

شماره یازدهم / فروردین ۱۳۹۴  
صاحب امتیاز: شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران  
مدیرمسئول: فرهاد قربان زاده  
سردبیر: آرمینا رضانی  
صفحه آرا: فرزاد نیک آیین / صبورا سمنانیان

پرونده‌ها مشخص نشده است و البته هدف من هم در این یادداشت، پرداختن به آن‌ها نیست. اما با مشاهده‌ی این وقایع این سؤال جدی پیش می‌آید: در صورت وجود سیستمی شفاف و وجود مسئولانی که خود را در برابر افکار عمومی پاسخگو می‌دانستند، ممکن بود شاهد چنین رویدادهایی باشیم؟ اگر سازوکارهای انتخاب دانشجویان و اساتید مشخص بود و امکان دسترسی و نظارت بر افراد دخیل در سیستم برای دانشجویان، اساتید و مطبوعات فراهم بود، آیا امکان رخ‌دادن موارد این‌چنینی کاهش نمی‌یافت؟ اگر در همه‌ی مراحل، افراد بلند پایه، مردم را شاهد و ناظر بر عملکرد خود ببینند، باز هم در سطوح کلان چنین رویدادهایی به وقوع می‌پیوندد؟

در سیستمی بسته که نظارت بر عملکرد آن، نه حق دانشجویان و نمایندگان آن‌ها است، نه حق اهالی رسانه و نه حتی خود اساتید، چنین وقایعی بسیار طبیعی‌اند. دانشجویان که تا پایان دوران تحصیلشان، همین که مورد لطف این سیستم قرار گرفته و وارد آن شده‌اند، باید قدردان و خاموش باشند. اهالی رسانه هم که با «خرد سطحی‌شان» حق ورود به این مسائل را ندارند؛ چراکه با روحیه‌ی «ژورنالیستی» خود تنها مسئله را پیچیده‌تر و امکان رسیدن به راه‌حل‌ها را سخت‌تر می‌کنند. اساتید هم که توانایی مبارزه با این سیستم را در خود نمی‌بینند و اگر هم بخواهند، خلاف ادب است که مثلاً درباره‌ی پایان‌نامه‌ی همکارشان از وی سؤال کنند. و در این میان، دانشگاه تنها در برابر نهادهای بالادست‌تر حکومتی است که خود را پاسخگو می‌داند و گروه‌های ذینفع دیگر، توده‌ای بی‌شکل و بی‌دغدغه تصور می‌شوند که حق مطالبه کردن را ندارند.

این در حالی است که هر گاه صحبت از لزوم ایجاد شفافیت در بخش‌های مختلف یک سیستم می‌شود، مقامات بالا رتبه تصور می‌کنند متقاضیان در صد افشای یک فساد اداری و یا

چرا به کتابخانه اعتماد نداریم

هدی محمدی

نام علوم اجتماعی در حوزه‌ی آکادمیک بیش از هر چیز ذهن انسان را به سوی کتاب‌هایی قطور سوق می‌دهد. اگر کتابخانه‌ی دانشکده‌ی علوم اجتماعی را تا به حال ندیده باشید شاید تصویری نزدیک به آن‌چه اشاره شد در ذهن شما وجود داشته باشد، اما اگر تنها یک‌بار گذرتان به کتابخانه‌ی دانشکده‌ی علوم اجتماعی افتاده باشد، متوجه کمبود کتاب‌های آن خواهید شد. دانشکده‌ی ما شاید جزو معدود دانشکده‌هایی باشد که علاوه بر کتابخانه‌ی اصلی دانشکده دو کتابخانه‌ی بزرگ دیگر هم (کتابخانه‌ی انجمن اسلامی و بسیج) دارد. همچنین انجمن‌های علمی هر یک به صورت جداگانه به جمع‌آوری کتاب‌های حوزه‌ی تخصصی خود در دفاترشان پرداخته‌اند. شورای صنفی دانشکده نیز در حال گردآوری نشریات حوزه‌ی علوم انسانی در دفتر شورا است. همه‌ی این موارد این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که چرا دانشجویان به کتابخانه اعتماد ندارند؟ چرا به جای سپردن کتاب‌هایشان به کتابخانه ترجیح می‌دهند که این کتب در دفاتر تشکیل‌ها نگه داری شود؟ رفتار دانشجویان بیش از هر چیز نمایانگر این است که دانشجویان به تأمین کتاب مشتاق اما از سپردن آن‌ها به کتابخانه‌ی دانشکده گریزانند. ضعف کجاست؟ اگر بخواهیم عادلانه به مسند قضاوت بنشینیم بهتر است انگیزه‌ی برخی تشکیل‌ها از جدا سازی کتاب‌هایشان از کتابخانه مرکزی دانشکده بدانیم.

در حال حاضر در طبقه‌ی دوم کتابخانه و در کنار بخش پایان‌نامه‌ها، بخشی مخصوص نشریات وجود دارد، اما بسیاری از دانشجویان از وجود چنین مکانی در دانشکده مطلع نیستند. به علاوه در این مکان امکان شکل‌گیری جمع‌های دانشجویی که به مباحثه درباره‌ی مطالب مندرج در نشریات بپردازند وجود ندارد. در نتیجه اعضای شورای صنفی بر آن شدند تا با جمع‌آوری نشریات در اتاق این تشکر، رفته‌رفته امکان تشکیل اتاق نشریات دانشکده را فراهم کنند. این دانشجویان معتقدند اگر نشریات را به کتابخانه‌ی دانشکده واگذار کنند، ممکن است ایده‌ی تشکیل اتاق نشریات به فراموشی سپرده شود.

اعضای انجمن‌های علمی هم نابه‌سامان بودن شرایط کتابخانه‌ی اصلی و ضعف و کمبود کتابخانه در

## ۲

۲.برگزاری وهمکاری دراجرای جشنواره‌ها،کنفرانس‌هاو مسابقات علمی (داخلی و خارجی)؛

۱. برگزاری دوره‌های آموزشی تکمیلی و تقویتی و تشکیل کارگاه‌های تخصصی؛

این‌چنین ذکر شده‌اند:

و خم و شرم‌آور سخن بگویم. به همین جهت سعی می‌کنم خیلی ساده مبتنی بر آیین‌نامه‌ی انجمن‌های علمی دانشجویی این‌ قصه را توضیح دهم و در نهایت با خاطره‌ای کوچک و البته بسیار تلخ آن را پایان برم: در ذیل ماده‌ی ۳ آیین‌نامه‌ی انجمن‌های علمی دانشجویی، مصوب تاریخ ۱۸/۹/۱۳۸۷ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، برخی از مصادیق و عرصه‌های فعالیت انجمن‌ها و اتحادیه‌های انجمن‌های علمی این‌چنین ذکر شده‌اند:

همه‌ی این مصادیق ذکرشده در آیین‌نامه با تمام نقص‌ها و کاستی‌هایش بی‌شک نیازمند حداقلی از هزینه برای عملیاتی‌شدن هستند و این در حالی است که هیچ ماده و تبصره‌ی مستقیمی درباره‌ی بودجه انجمن‌های علمی در این آیین‌نامه وجود ندارد و فقط در ماده‌ی ۲۲ آیین‌نامه «میزان و نحوه‌ی حمایت مالی از طرح‌های مصوب انجمن‌های علمی دانشجویی به تشخیص معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه» گذاشته شده است، که گویا هنوز جنباشان حداقل در این سه سالی که بنده باخبر هستم درباره‌ی وضعیت مالی انجمن‌های علمی دانشکده علوم اجتماعی به هیچ تشخیص مناسبی نرسیده‌اند!

البته در بخش چهارم آیین‌نامه تدبیری اندیشیده شده است که برای حمایت از انجمن‌های علمی– دانشجویی و نظارت بر آن‌ها در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شورایی با حضور سه نفر از دبیران انجمن‌های علمی–دانشجویی با عنوان «شورای حمایت و نظارت بر انجمن‌ها و اتحادیه‌های علمی دانشجویی» تشکیل شود تا حداقل یکی از وظایفش «تعیین میزان و چگونگی حمایت مالی وزارت

قدرت ، ذاتی انسان نیست. ثروت در درون ثروتمندان نیست. محبوبیت و شهرت در وجود آدم‌ها گنجانده نشده است. این‌ها تمام ناشی از دسترسی افراد به نهادهای قدرت است. (سی رایت میلز) نوشتن در باب قصه‌ی پُرعصه‌ی «بودجه‌ی» انجمن‌های علمی سهل و ممتنع هست. سهل است چون به راحتی می‌توان گفت درباره‌ی این موضوع «هیچ» چیزی وجود ندارد و تا به حال هرچه بوده «بی بودجگی» است و به راحتی از این موضوع گذشت و ادامه‌ی ماجرا را به دست همان برنامه‌ریزان و سیاستگذاران دلسوز این مرز و بوم گذاشت که هرچه تلاش و سعی می‌کنند تا بهترین و بیش‌ترین بودجه را برای پیشبرد علم و دانش اختصاص دهند و یاری‌گر دانشجویان باشند، امکان‌پذیر نمی‌شود (!) و خودشان هم همچون ما در حیرت باقی مانده‌اند که این همه بودجه‌ی اختصاص یافته برای کارهای علمی و پژوهشی کجا استفاده می‌شود؟! و از جهتی دیگر ممتنع هست، چون برای اختصاص‌دادن چند ریال ناقابل، آن‌قدر انجمن‌های علمی را بالا و پایین کرده‌اند و به فلاّن و بهمان ارجاع داده‌اند و امروز و فردا کرده‌اند که اصلاً نمی‌دانم از کجای این قصه‌ی پر پیچ

## مساله ی بودجه ی انجمن های علمی

**انجمن های علمی از چه راه هایی هزینه های خود را تامین می کنند**

زمانی که با اعضای انجمن‌های علمی صحبت می‌کنیم یکی از مشکلات اصلی تشکل‌هایشان را نبود بودجه‌ی مناسب و سروقت برای برگزاری برنامه‌ها بیان می‌کنند. در گفتگو با فعالین سابق انجمن‌های علمی متوجه می‌شویم به طور کلی دریافت بودجه‌ی این تشکل‌ها روندی فرسایشی به خود گرفته و تعویق یا عدم برگزاری برنامه‌ها را به دنبال داشته است. از سوی دیگر زمانی که درگیرودار روند اداری دریافت بودجه، امیدها و جامعه‌شناسی پیرامون بحث بودجه‌ی انجمن‌های علمی است.

### این قصه سر دراز دارد

”**وحید فروزنده\***

۳. تولید و انتشار نشریه‌ی علمی، کتاب و نشریات الکترونیکی، نرم افزارهای رایانه‌ای و فیلم‌های علمی – آموزشی؛

۴. برنامه‌ریزی و اجرای بازدیدهای علمی از مراکز علمی، صنعتی و فناوری؛

۵. اطلاع رسانی درخصوص کلیه‌ی فعالیت‌های مرتبط با اهداف انجمن؛

۶. حمایت و تشویق مادی و معنوی از ابتکارات، خلاقیت‌های علمی، فعالیت‌های پژوهشی و اختراعات دانشجویان.

همه‌ی این مصادیق ذکرشده در آیین‌نامه با تمام نقص‌ها و کاستی‌هایش بی‌شک نیازمند حداقلی از هزینه برای عملیاتی‌شدن هستند و این در حالی است که هیچ ماده و تبصره‌ی مستقیمی درباره‌ی بودجه انجمن‌های علمی در این آیین‌نامه وجود ندارد و فقط در ماده‌ی ۲۲ آیین‌نامه «میزان و نحوه‌ی حمایت مالی از طرح‌های مصوب انجمن‌های علمی دانشجویی به تشخیص معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه» گذاشته شده است، که گویا هنوز جنباشان حداقل در این سه سالی که بنده باخبر هستم درباره‌ی وضعیت مالی انجمن‌های علمی دانشکده علوم اجتماعی به هیچ تشخیص مناسبی نرسیده‌اند!

البته در بخش چهارم آیین‌نامه تدبیری اندیشیده شده است که برای حمایت از انجمن‌های علمی– دانشجویی و نظارت بر آن‌ها در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شورایی با حضور سه نفر از دبیران انجمن‌های علمی–دانشجویی با عنوان «شورای حمایت و نظارت بر انجمن‌ها و اتحادیه‌های علمی دانشجویی» تشکیل شود تا حداقل یکی از وظایفش «تعیین میزان و چگونگی حمایت مالی وزارت

### سدی به نام روند اداری

”**علی رسولزاده\***

تشکل‌های دانشجویی با برگزاری کارگاه های آموزشی، نشست‌ها و حلقه‌ها ضمن حفظ پویایی فضای دانشکده جایگزینی برای خلاء واحدهای درسی و مکملی برای کلاس‌های درس فراهم آورده‌اند. کلاس‌هایی که بعضاً در چارت واحدهای درسی رشته‌ی مربوط تعریف نشده ولی نیاز دانشجویان بوده است و یا حلقه‌هایی که به منظور مطالعه‌ای فراتر از گذراندن یک واحد درسی برای دانشجویان بوده است. برگزاری این برنامه‌ها رسالت تشکل‌ها به‌ویژه انجمن‌های علمی است اما آن‌چه مسلم است برگزاری این کلاس‌ها و نشست‌ها مسلّزم بودجه و حمایت مالی است، همان چیزی که یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های انجمن‌های علمی در پیشبرد برنامه‌هاست. روند اختصاص بودجه به این صورت است که پس از برگزاری این کلاس‌ها و نشست‌ها مسلّزم بودجه و ریز مخارج و فاکتورهای مربوط به باشگاه دانشجویان تسلیم شود و در صورت موافقت بودجه اختصاص داده می‌شودکه البته سقف بودجه‌ی دریافتی برای هر انجمن علمی سالیانه یک میلیون تومان بود که امسال ۵۰ درصد کاهش داشته است! اگر چه در اغلب موارد تمام انجمن‌های علمی و غیرعلمی در رشته‌های فنی و مهندسی بیش‌ترین تعداد را دارند، عموماً این سه دانشجوی حاضر در این شورا از رشته‌های فنی و مهندسی انتخاب می‌شوند و در نهایت توجه آن‌چنانی به رشته‌های علوم انسانی می‌دود! با توجه به آن‌چه گفته شد عموماً انجمن‌های علمی–دانشجویی دانشکده‌ی علوم اجتماعی به‌رغم پیگیری‌های مداوم و به این در و آن در زدن، یا خرج آن‌چنانی نمی‌کنند و آن‌گونه که در بالا آمد نمی‌توانند فعالیت خاصی انجام دهند و یا این‌که باید دست در جیب مبارک خود برده و هزینه‌ی فعالیت‌های مختلف انجمن علمی را خود بپردازند و در نهایت بدهکار خود و دیگران باشند!

اما آن خاطره؛ یادم هست چندین ماه پیش با یکی از دوستانم که عضو یکی از انجمن‌های علمی– دانشجویی رشته‌های فنی و مهندسی هست راجع به نداشتن بودجه برای چاپ نشریه‌ی انجمن علمی صحبت می‌کردم. او از من پرسید مگر دانشگاه و اساتید برای هزینه‌های انجمن علمی به شما کمک نمی‌کنند؟! و من با تعجب گفتم نه! مگر برای شما همچنین امکانی هست؟! گفت «آره، ما الان با کمک دانشگاه و اساتیدمون نزدیک به ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ (بیست میلیون!) تومان بودجه داریم!» و من با تعجب فقط لبخندی تلخ زدم و به کار خود ادامه دادم تا بلکه با تلاش همه‌ی اهالی علوم اجتماعی بتوانیم حتی بدون کمک از وزیران و رئیسان! و غیره قدمی در جهت اعتلای هرچه بیش‌تر علوم اجتماعی برداریم.

\* دبیر انجمن علمی جامعه شناسی دانشگاه تهران

### ادامه از صفحه ی اول

## رویای شفافیت

پرده‌برداشتن از یک راز بزرگ هستند. آن‌چه در این بین از یاد برده می‌شود، آن است که شفافیت امور می‌تواند منجر به افزایش آگاهی افراد درون سیستم و ایجاد درک و افزایش همدلی میان افراد و مقامات شود و امکان‌یافتن راه‌حل‌هایی برای بهبود شرایط را فراهم کند. نباید از خاطر برد که هر یک از کنشگران در یک عرصه، از زاویه‌ای خاص به مسائل می‌نگرند و باید اطلاعات کافی جهت دفاع از منافع خود و هم‌صنف‌هایشان را داشته باشند. بهتر است کمی با دقت‌تر به این مسائل نگاه کنیم. در دانشگاه با دو گروه که جهان‌های ذهنی‌شان به دلیل نبود دیالوگ مابینشان در طی سال‌های متمادی از یکدیگر فاصله‌ی زیادی گرفته است، مواجهیم. در یک سو دانشجویانی قرار دارند که خواسته‌های گوناگونی از جمله تغییر در نحوه‌ی عملکرد اساتید، ایجاد شفافیت در نحوه‌ی پذیرش دانشجویان دکتری، تخصیص بودجه‌ی بیش‌تر به فعالیت‌های فرهنگی–دانشجویی و… دارند. در سوی دیگر مسئولانی قرار دارند که با محدودیت‌هایی که قوانین، آیین‌نامه‌ها و فشار گروه‌های بیرون از دانشگاه برای آن‌ها ایجاد کرده‌اند دست به گریب‌بند. نتیجه آن می‌شود که دانشجویان صرفاً مطالبه می‌کنند و بی هیچ دستاوردی روز به روز فاصله‌ی آن‌ها از مسئولان دانشگاه بیش‌تر و بیش‌تر می‌شود. علاوه بر این به دلیل نبود شفافیت، در صورت وجود خطا، سیستم مدام آن را بازتولید می‌کند و ابعاد آن گسترده‌تر می‌شود و سرانجام به مرحله‌ای می‌رسد ندرت صورت می‌گیرد و مستلزم همت اساتید برای معرفی دانشجویان و انجمن‌های علمی به نهادهای مربوط برای حمایت مالی است) ارسال نامه‌های متعدد و پیگیری آن‌ها خیلی اوقات بسیار زمان‌بر و خسته‌کننده است– البته انجمن علمی ارتباطات اخیراً درخواست بودجه‌ای از شهرداری داشته که با پاراف نامه از سوی آقایان نوریخش و اعتمادی‌فر، این روند بسیار تسریع یافت که نشان‌گر نیاز تشکل‌ها به حمایت از سوی هیئت رئیسه‌ی دانشکده است. شاید انجمن علمی ارتباطات تنها تشکلی بوده است که به خاطر برگزاری برنامه‌های متعدد و چاپ نشریه توانسته تا حدودی حمایت مالی بیرون از دانشکده فراهم آورد اما واقعیت این است که اکثر توجه‌ها به سمت دانشکده‌ی فنی است. با توجه به ماهیت رشته‌های دانشکده، نقطه‌ی قوت بچه‌های دانشکده‌ی علوم اجتماعی کارهای پژوهشی آن‌هاست و تعریف چنین پروژه‌هایی برای تشکل‌های دانشجویی می‌تواند زمینه‌ای برای کسب بودجه باشد؛ چیزی که باز هم منوط به همکاری اساتید محترم و معرفی دانشجویان و تشکل‌ها به نهادهای مربوط است.

\* دبیر انجمن علمی ارتباطات دانشگاه تهران

که به بخش‌های دیگر جامعه هم تسری می‌یابد.

به هر روی، هدف چه جلوگیری از فساد باشد و چه ایجاد آگاهی برای کنشگران درون سیستم، تجربه لزوم ایجاد شفافیت را تأیید کرده است. دانشکده‌ی علوم اجتماعی می‌تواند همان‌گونه که در بسیاری موارد در بین سایر دانشکده‌های دانشگاه تهران پیش‌گام بوده است، در این زمینه هم جلوتر از سایرین حرکت کند و با انتشار اطلاعات مربوط به درآمدها و هزینه‌های دانشکده ( که در حال حاضر پرسش‌های زیادی پیرامون این مسئله در اذهان دانشجویان وجود دارد) در راستای ایجاد آگاهی در افکار عمومی دانشجویان و اساتید گام بردارد. در حال حاضر هر یک از طرفین درگیر در ماجرا در حال ادای یک مونولوگ هستند. دانشجویان در جمع‌های خود از کم و کاستی‌های دانشکده می‌گویند و مسئولان و اساتید هم مشکلات و دغدغه‌هایشان را با یکدیگر مطرح می‌کنند و هیچ دیالوگی میان آن‌ها صورت نمی‌گیرد. ایجاد شفافیت در مسائل مالی همان‌طور که می‌تواند از بروز و تکرار خطا در سیستم جلوگیری کند، می‌تواند ماده‌ی خام و اولیه برای این گفت‌وگوها را فراهم کند، چراکه هر دو گروه با مسائل و یا کمبودهای مالی دست به گریب‌انند و هر نوع هم‌اندیشی که پیرامون این موضوع صورت بگیرد، به نفع هر دو طرف و به‌طور کلی نهاد دانشگاه است. دانشکده‌ی علوم اجتماعی در آستانه‌ی هشتاد سالگی، می‌تواند بیش‌تر در برابر ذهن‌های دانشجویان خود که هنوز عادت پرسشگری را از دست نداده‌اند، پاسخگو باشد و به خواسته‌های مشروع و قانونی آن‌ها تن در دهد تا سال‌های بعدی عمر خود را با تعامل با دانشجویان پربرارتر و پرتثمرتر طی کند و از تکرار تجربه‌ی تلخ سایر دانشکده‌ها جلوگیری کند.

### ادامه از صفحه ی اول

## چرا به کتابخانه اعتماد نداریم

زمینه‌ی تأمین کتب مورد نیاز گروه تحصیلی‌شان را جزء علل ارائه‌نکردن کتاب‌هایشان به کتابخانه مطرح کردند. عضو ارشد یکی از انجمن‌های علمی در پاسخ به این که هدفشان از داشتن کتابخانه جدا از کتاب خانه اصلی چیست، گفت: «هدف اصلی ما از داشتن کتابخانه جدا دسترسی هر چه ساده‌تر دانشجویان رشته‌ی خودمان به منابع مهم و مفید است، همچنین دسترسی دانشجویان رشته‌ی خودمان را به این کتاب‌ها نسبت به سایر دانشجویان ارجح‌تر می‌دانیم. از طرفی ما تا کنون اقدامی جهت رفع نقایص کتابخانه (که تعدادش هم کم نیست) در رشته‌ی خود ندیدیم، بنابراین خودمان سعی بر جبران و پر کردن این کمبود منابع را داریم.» این در حالی است که طبق گفته‌ی دکتر بیچرانلو،

## ۳

## ۴